

در فلاور جان اصفهان صورت گرفت

اعدام صدام شیطان صفت ایرانی در ملامع



گروه حوادث: مرد شیطان صفت که قاتل ملیکا کوچولو و عامل تجاوز به خواهر ۱۸ ساله او شناخته شده بود سحرگاه دیروز در فلاور جان در میان تماشاچیان به دار مجازات آویخته شد.

اختلاف افیونی

تایستان امسال بود که بین دو مرد افیونی در فلاور جان اصفهان اختلاف مالی به وجود آمد و این در حالی بود که هیچکس تصور نمی کرد فاجعه ای در راه است. مرد موادمفروش که خیلی به پدر خانواده ای ففسار آورده بود تا پول خرید مسواش را بپردازد وقتی دید او اعتنایی به اصرارهایش ندارد نقشه شومی کشید تا یکی از اعضای خانواده مرد بدهکار را به گروهان بگیرد.

اولین گروهان

مرد افیونی که می دانست مرد بدهکار یک پسر ۱۰ ساله دارد در نخستین اقدام روز هشتم شهریور ماه سال جاری با کمین در مسیر تردد اعضای خانواده مرد بدهکار وقتی پسرک خانواده به تنهایی از خانه خارج شده بود او را ربود و به مخفیگاهش برد.

۵ روز بعد

در حالیکه مرد گروهانگیر تصور میکرد با این اقدام پدر این پسر بیچه به ناچار بدهی اش را میبپردازد پس از پنج روز متوجه شد مرد بدهکار هیچ تلاشی برای رهایی پسرش از گروهانگیر ندارد. این سوداگر مرگ مرتب با پیامهای تهدیدآمیز پدر گروهانگیر را تحت فشار قرار داد اما در همه این

ترفندهایش به بن بست خورد و به طراحی نقشه شومی را طراحی کرد. **ربودن ۲ دختر** مرد شوم این بار برای اینکه به پول افیونی خود برسد در اقدامی وحشیانه از پنجره خانه مرد بدهکار وارد خانه آنها شد و در حالی که مسلح بود با تهدید به مرگ دو دختر خانواده آنها را ربود و به گروهان گرفت.

۲۳ روز شکنجه های شیطانی

ملیکا کوچولو و خواهر جوانش در خلوتگاه مرد شیطان صفت گروهان بودند و این در حالی بود که پدرشان از ترس مرد افیونی جرات شکایت در نزد پلیس را نداشت. مرد گروهانگیر در ۲۳ روز اسارت دو خواهر بیگانه نه تنها به مریم ۱۸ ساله تجاوز کرد بلکه ملیکا کوچولو را تحت شکنجه قرار داد و با عکسهایی که از جای زخم ها می گرفت پدر خانواده را تحت فشار قرار داد.

مرد دشمن در این روزهای شیطانی پدر دو دختر را بارها به باد کتک گرفت تا هم زهر چشمی بگیرد و هم او را از رفتن نزد پلیس بازدارد.

قتل ملیکا کوچولو

روز پنجم مهر ماه شده بود که خانواده ملیکا کوچولو با پیکر بیجان این دختر ک روپوش شدند مرد گروهانگیر که پیکر نیمه جان ملیکا را از ترس تحویل خانواده اش داده و خواهر بزرگتر هم که بخاطر تجاوزهای شیطانی روحیه آشفته و به هم ریخته ای داشت به خانه بازگشت و پرده از سر نوشت و وحشتناک خود و خواهرش برداشت. ملیکا کوچولو خیلی زود به مرگ

نگاه کنم. مریم نیز که هنوز وحشت داشت اسم مرد شیطان صفت را به زبان بیسورد گفت: من و خواهرم را از خانه ربود و مسلح بود وقتی به مخفیگاهش رسیدیم از همان ابتدا به من دست درازی کرد هر چه التماس میکردم گوش نمی داد او خواهرم را کتک می زد نمی توانم باور کنم چنین سر نوشتی داشتیم من فکر می کردم کابوس مبینم.

دستگیری مرد شوم

با توجه به حساسیت پرونده و خطرناک بودن مرد فراری تیمی از پلیس آگاهی استان اصفهان وارد عمل شد و در حالی که مرد متجاوز چندین بار هم اقدام به تغییر مخفیگاهش کرده بود، او و همدستانش را دستگیر کرد.

اعتراف

مرد شیطان صفت که ابتدا سعی داشت از اتهاماتش شانه خالی کند وقتی دید همه راه های وحشتناکش فاش شده است و پزشکی قانونی هم تجاوز توسط او را تایید قرار داده است چهارای جز اقرار نماند.

این مرد شوم گفت: ابتدا فقط پولم را میخواستم اما وقتی دو دختر را ربودم وسوسه شدم و دست به کارهای سیاه زدم. من ملیکا را کتک میزدم تا خانواده اش با دیدن شرایط سخت او هرطوری شده پولم را تهیه کنند و اصلا تصور نمی کردم او بمیرد.

او صدام است

با این اعترافات و در حالیکه مرد جنایتکار سعی داشت مسیر تحقیقات را منحرف کند و به پزشکی قانونی معرفی شد و متخصصان سلامت روانی او را در موقع وقوع جرم تأیید کرد ضمن اینکه در معاینه روانشناسان به این نکته هم اشاره شده که او شخصیتی استبدادی همانند صدام (دیکتاتور عراق) دارد و این حکم نشان می دهد که مرد شیطان

صفت مسئول اعمال و رفتارهایش بوده است.

کیفر خواست

یک ماه و نیم بعد از این فاجعه باز پرس این پرونده با صدور کیفرخواست اتهامات مرد شوم را قتل، آدم ربایی، کودک آزاری، حبس غیر قانونی و ضرب و جرح عمدی دانست.

این اقدام در حالی بود که پرونده تکاندنده از همان ابتدا با پیگیری دادستان اصفهان و رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان با سرعت به سرانجام رسید و بلافاصله پس از دستگیری روند رسیدگی به پرونده آغاز شد و کیفرخواست متهم با موارد متعدد اتهامی صادر شد. البته مرد شوم در همه مراحل بازجویی تلاش می کرد تا مسیر تحقیقات را به انحراف بکشاند اما موارد اتهامی چون به صورت مستند و مستدل وجود داشت راه گریزی نداشت.

در دادگاه

مرد جنایتکار بعد از تکمیل پرونده در دادگاه کیفری یک استان اصفهان محاکمه شد و در جلسه دادگاه باز هم سعی در گمراه کردن مسیر بررسیها کرد. با این وجود وقتی خانواده ملیکا خواستار قصاص بخاطر قتل دخترشان و اعدام بخاطر تجاوز به دختر بزرگشان شدند مرد جنایتکار به تجاوز اعتراف نکرد و مرتب ادعای بیگناهی کرد و این در حالی بود که پزشکی قانونی تجاوز را تایید کرده بود.

حکم اعدام و قصاص

قضات دادگاه کیفری یک استان اصفهان پس از برگزاری جلسات علنی و غیر علنی شدیدترین مجازات را در برای مرد شیطان صفت صادر کردند. در این حکم مرد جنایتکار بخاطر قتل ملیکا کوچولو به قصاص نفس و بخاطر تجاوز به خواهرش به مدت ۲۳ روز اسارت آنها به اعدام در ملامع محکوم شد.

تایید حکم

این حکم که با اعتراض قاتل شیطان صفت روبرو شده بود به دیوانعالی کشور ارجاع داده شد و قضات عالیتر تبه دیوان با بررسی تخصصی حکم را تایید و قابل اجرا دانستند.

اعدام در سحرگاه

مرد شیطان صفت سحرگاه دیروز

در بین جمع کثیری از مردم داغ دیده فلاور جان که برای مرگ او روز شماری کرده بودند در روی پل زاینده رود در نزدیکی میدان آزادی فلاور جان با جرثقیل به دار مجازات آویخته شد.

در این مراسم مردم پشت داربست های تعبیه شده در میدان آزادی ایستاده بودند که ماشین حمل زندانیان با اسکورت ماشین های پلیس در محل حاضر شدند.

وقتی محمد جواد را از ماشین ون پایین آورده شد مردم با هیجان و ناراحتی شروع به داد و فریاد کردند سپس نماینده دادستان حکم را با صدای بلند قرائت کرد و این در حالی بود که ماموران پلیس امنیت منطقه را تأمین کرده بودند و مسئولان اجرای احکام به همراه تیم پزشکی قانونی آماده اجرای مجازات اعدام بودند.

در حکمی که قرائت شد آمده بود در این پرونده قضات شعبه اول دادگاه کیفری یک استان اصفهان محمد جواد شمس را به جهت قتل ملیکا به قصاص، نسبت به زنا به عتف به دختر ۱۸ ساله به اعدام، آدم ربایی ۲۰ سال حبس، ایراد ضرب و جرح عمدی به ۷ سال حبس، از بابت حبس غیر قانونی طفل و خواهر و برادر وی به ۴ سال حبس و برای کودک آزاری به ۹ ماه حبس و نیز پرداخت دیه در حق اولیای دم و شکات محکوم کردند.

بعد از این اقدام محمد جواد زیر طناب دار سفید رنگ قرار گرفت که از جرثقیل آویزان بود سپس مراسم اعدام برگزار شد.

همزمان با اعدام و در حالیکه دقایقی بعد جسد مرد شیطان صفت از طناب دار پایین آورده شده و با تایید مرگ توسط پزشکی قتل و خواهر و برادر وی به ۴ سال حبس و برای پزشکی قانونی قرار گرفت مردم تماشاچیان شعارهایی را در حمایت از دستگاه قضایی و ماموران پلیس سر دادند.

رئیس دستگاه قضایی استان اصفهان در حاشیه این مراسم حفظ امنیت و آسایش عمومی را مهمترین رسالت دستگاه قضایی اعلام و تصریح کرد: بی شک دستگاه قضایی استان اشد مجازات های قانونی را برای متجاوزان به جان، مال و ناموس مردم و مخالن نظم و امنیت جامعه اعمال خواهد کرد.

اخبار حوادث

ناگفته های جوانی که مهندس پرواز هواپیمای مرگ رانجات داد

مهرداد راضی، جوان ۲۸ ساله که در نخستین فردی بود که در محل حادثه سقوط هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ باری حضور پیدا کرد و با فداکاری و شجاعت توانست جان مهندس پرواز رانجات داد. مهرداد راضی، جوان ۲۸ ساله که در نخستین فردی بود که در حادثه سقوط هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ باری رد دود ناشی از سقوط هواپیمای گرفته و خود را بلافاصله به محل سقوط هواپیمای رسانده است

پسر جوان در خصوص ماجرای نجات مهندس پرواز هواپیمای سقوط کرده گفت: در یک پروژه ساختمانی در بخش شمالی شهرک زیبا دشت کاری می کنم. اول صبح تازه مشغول کار شده بودم که صدای هواپیمایی را شنیدم. با شنیدن این صدا به سرعت سوار ماشین شدم و در دود را گرفتم و خودم را به محل حادثه رساندم که با سقوط یک هواپیمای باری مواجهه شدم که در آتش می سوخت.

این جوان کرجی در ادامه افزود: بدلیل بر خورد هواپیمای با ویلا، بخشی از دماغه پاره شده بود. از سوراخ آن به داخل نگاه کردم. دیدم فقط یک دست تکان می خورد. در رفته داخل و ۳۰۲ نفر را دیدم که یکی از آنها زنده بود. بقیه تکان نمی خوردند.

وی درباره نجات تنها تکنسنین پرواز با مانده از سقوط هواپیمای گفت: روی دیوار باغ ایستاده بودم و داد می زدم «کسی زنده است» که ناگهان تکان یک دست را دیدم و با شنیدن صدای من درخواست کمک کرد و گفت «کمک»، آن لحظه فهمیدم این فرد زنده است در حالیکه نصف کمرش بین صندلی ها و لاشه هواپیمای گیر کرده بود دستش را گرفت و او را از لای صندلی ها و لاشه هواپیمای بیرون کشیدم.

راضی جوان نجاتگر گفت: دوفر دیگر را دیدم که از هواپیمای بیرون پر تاب شده بودند ولی آنها زنده نبودند. این فرد زنده مانده را با خود به سرعت در حالیکه فیلم می گرفتم از کنار هواپیمای دور کردم زیرا حرارت در نزدیکی هواپیمای زیاد بود و تمام آهن ها و مواد دیگر ذوب شده بودند.

وی درباره گرفتن فیلم نجات تکنسنین پرواز این گونه توضیح داد و گفت: اگر من آن فیلم را گرفتم به این علت بود که خبر از عمق فاجعه ای عظیم و مرگبار را بدهم تا نیروی های امدادی به سرعت به محل حادثه برسند قصد خودنمایی در فضای مجازی را نداشتم بلکه در آن لحظه به این فکر می کردم که نیروهای امدادی بدانند که یک حادثه معمولی رخ نداده است و جان بسیاری از هموطنان در خطر افتاده است که متأسفانه همگی از بین رفته بودند به جز تکنسنین پرواز که خوشحالم وی رانجات داده ام.

راضی تصریح کرد: این فرد زنده مانده در بین راه فریاد می زد که ۱۵ نفر دیگر داخل هواپیمای هستند. دوباره به سمت هواپیمای دویدم. ولی هر چه به هواپیمای نزدیک تر می شدم، آتش شعله ور تر می شد و امکان نجات وجود نداشت در حالیکه کسی هم دیگر زنده نبود.

این ۳ دختر پسر از آب در آمدند

فرمانده انتظامی شهرستان انار گفت: سه پسر جوان که در فضای مجازی خود را دختر جلوه داده و از طعمه خود اخاذی کرده بودند، دستگیر شدند. سرهنگ رضا خلیلی نژاد در تشریح این خبر بیان کرد: در پی شکایت یکی از شهروندان مبنی بر اخاذی از پسر نوجوانش توسط افرادی در یکی از شبکه های اجتماعی، بررسی موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.

وی افزود: پسر نوجوان این مالباخته در فضای مجازی با فرد ناشناسی که خود را دختر معرفی کرده آشنا شده و یک مدت با هم تبادل متن و عکس خصوصی داشته اند و نهایتاً آن فرد ناشناس با تهدید به انتشار همین عکس ها و اطلاعات خصوصی از این پسر نوجوان بیش از ۴۰ میلیون ریال اخاذی می کند.

خلیلی نژاد با اشاره به اینکه فرد کلاهبردار به تدریج این مبلغ را در یک سال از این پسر نوجوان دریافت کرده بود، اظهار کرد: ماموران پلیس آگاهی با جمع آوری مستندات لازم و اقدامات تخصصی در فضای مجازی سرانجام متهمان که سه پسر جوان بودند را شناسایی و آنان را با هماهنگی قضایی دستگیر کردند.

وی تصریح کرد: این سه نفر در مواجهه با مدارک و مستندات پلیس صراحتاً به انجام بزه انتسابی و اغفال مالباخته با جازدن خود به عنوان یک دختر اقرار کردند و با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شدند.



یک ساعت زمان می برد شما ز ۳۰ ثانیه باز می کردی؟

بله، حرفه ای شده بودم.

■ **چند لوستر سرقت کردی؟**

حدود داسی تا.

■ **سابقه داری؟**

بله، یک سابقه آدم ربایی دارم که مربوط به ۲ سال قبل است.

■ **توضیح بده.**

در این پرونده تبرئه شدم. راننده تاکسی اینترنتی بودم که یک خانم به همراه فرزندش را به مقصدی در شرق تهران بردم. مسافر من بچه اش را داخل خودروی من گذاشت و برای کاری پیاده شد من به خاطر اینکه جانب دبا یستم در خیابان های اطراف چند بار دور زدم تا جایی پارک پیدا کنم که این ماجرا برای من در دسر درست کرد.

■ **اعتیاد هم داری؟**

بله، هر وقت منصرف می کنم.



■ **برای چه اینجایی؟**

به خاطر سرقت لوستر.

■ **لوسترهای کجا؟**

مقابل هتل ها و خانه های بالای شهر لوسترهایی را آویزن کرده اند، من آنها را سرقت می کردم.

■ **قیمت لوسترها چقدر است؟**

همه رقم وجود دارد از یک میلیون تومان تا بیست میلیون تومان.

■ **لوسترها را به چه قیمت می فروختی؟**

به ضایعاتی کیلویی بیست هزار تومان می فروختم.

■ **چرا لوستر؟**

من کارم سرقت نیست اما به خاطر کارهایی که در گذشته انجام دادم بدم که خیلی زود این لوسترها را باز کنم.

■ **لوسترهایی که بستن شان شاید**

جزئیات حمله خونین دزد به پلیس در تهران

سریع چاقو خود را بیرون آوردم با چند ضربه به سر باز کلانتری زدم که یک دفعه مردم سرم ریختند و دستگیرم کردند.

■ **یک دکتر را هم قبلاً کتک زده ای؟**

در زمان سرقت هادر حالت عادی نبودم.

■ **چرا آنقدر خشن؟**

سکوت

■ **چند سال است؟**

۲۰ سال.

■ **شغل نداشتی؟**

چرا بار فروش بودم.

■ **پس چرا زورگیری می کردی؟**

درآمد کم بود.

■ **سابقه داری؟**

گوشی قاچی.

■ **چند بار سرقت کردی؟**

نمی دانم.

■ **گفت و گو با دزد هتل های تهران**

از چندی پیش پلیس تهران خود را در برابر دزدی دید که فقط لوسترهای بیرونی هتل ها را سرقت می کرد.

ماموران با اقدامات ویژه و گشت زنی توانستند این دزد را دستگیر کنند:

است. وی که سری قیل هم به جرم گوشی قاچی در زندان به سر برده بود بعد از آزادی دوباره به همین کار روی آورده است.

این دزد در بازجویی ها گفت: من هیچ کاری ندارم وقتی از زندان آزاد شدم هیچ پولی نداشتم چاره ای نبود باید دزدی میکردم بخاطر همین با تهیه چاقو در خیابان ها پرسه زده و با تهدید مردان موبایل هایشان را سرقت می کردم. وی افزود: از زندان متفرم وقتی خودم را در برابر پلیس دیدم برای اینکه باز به زندان نیفتم تصمیم گرفتم به هر قیمتی شده فرار کنم و بخاطر همین با چاقو ضرباتی به سر باز کلانتری زدم اما او دست از سرم برنداشت و دستگیر شدم.

■ **گفت و گو با دزد چاقو کش**

■ **برای چه دستگیر شدی؟**

به جرم گوشی قاچی.

■ **و...!**

زورگیری و زخمی کردن سر باز کلانتری.

■ **توضیح بده چه اتفاقی افتاد؟**

آن روز قرص خورده بودم و زیاد به خاطر نمی آورم اما در هنگام دزدی بودم که ناگهان ماموران کلانتری را در نزدیکی خود دیدم.

گروه حوادث: یک زندانی خطرناک وقتی آزاد شد در اقدامی خونین مامور پلیس را هدف ضربه های چاقو قرار داد. این تبهکار در صحنه سرقت میخواست از دست پلیس فرار کند اما مامور را چاقو چاقو کرد.

چندی پیش ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین تهران هنگام گشت زنی خود را در برابر دزد موبایل در خیابان دیدند و برای دستگیری او وارد عمل شدند. ماموران با رساندن خود به دزد جوان دستور ایست دادند اما او بایی اعتنایی دست به چاقو برد و به سمت سر باز پلیس حمله برد و پیر حمانه او را چاقو چاقو کرد.

در این بین سر باز زخمی با فداکاری و با وجود خونریزی شدید دزد بی رحم را رها نکرد و توانست مانع فرار او شود.

همزمان با انتقال پلیس زخمی به بیمارستان دزد خطرناک تحت بازجویی قرار گرفت و اقرار کرد از دزدان قدیمی بوده و بتازگی از زندان آزاد شده است.

بررسی های اطلاعاتی ماموران پلیس نشان داد این دزد تنها بعد سه هفته آزادی از زندان به جرم زورگیری گوشی موبایل دستگیر شده

خبر

۲ دزد سر نوشت های عجیب دارند